



آمار زنانی که بدون اذن همسرشان به سفرهای کاری خارج از کشور می‌روند کم نیست، اما این موضوع دوباره و به خاطر ممانعت همسر سمیرا زرگری سرمربی تیم اسکی زنان برای خروج از کشور داغ شده است. قانون برای موارد خاص راهکاری ارائه کرده است، اما قضیه زرگری زوایای دیگری هم دارد

پرونده «جوان» از حواشی یک بند قانونی

چالش قانون یا چالش زندگی خصوصی برخی ورزشکاران؟!

زنان ورزشکار کشورمان سال گذشته در اعزام به مسابقات خارجی ۵۷۵ مدال بین‌المللی کسب کردند بدون آنکه با همسرشان برای خروج از کشور مشکلی پیدا کنند

چند سالی می‌شود که ممانعت همسر از خروج برخی زنان ورزشکار کشورمان برای حضور در مسابقات بین‌المللی حاشیه‌ساز شده و سر و صدا به پا کرده است. نخستین بار نیلوفر اردلان، کاپیتان تیم ملی فوتسال بانوان ایران با ممانعت همسرش برای خروج از کشور و حضور در مسابقات قهرمانی آسیا خبرساز شد. پس از آن زهران نعمتی، عضو تیم ملی تیراندازی با کمان بانوان معلول کشورمان با وضعیت مشابهی مواجه شد و همسرش با خروج وی از کشور مخالفت کرد. این دو ورزشکار سرانجام توانستند مشکل خروج از کشور خود را با حکم دادستانی حل کنند، اما پایان زندگی مشترک آنها، جدایی از همسرانشان بود. این ماجرا در سال‌های ۹۴ و ۹۵ مجلس را به صرافت انداخت تا با انجام اصلاحاتی در قانون گذرنامه مانع از وقوع رخدادهای مشابه شود. اگرچه پیش‌بینی‌هایی برای موارد خاص قبلاً در قانون دیده شده بود و وقوع این دور رخداد برای تغییر قانون شاید چندان ضروری به نظر

بازدواج و تشکیل خانواده زن و مرد نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند، یکی از بدیهی‌ترین این تعهدات، رضایت طرف مقابل از اقداماتی است که می‌تواند زندگی مشترک را تحت‌تأثیر قرار دهد. وقتی زن یا مرد بنا دارد تا به‌واسطه مأموریت کاری، شرکت در رویداد علمی یا ورزشی یا هر هدف دیگری برای یک یا چند روز خانه و خانواده را ترک کند و به خارج از مرزهای کشور برود، لازم است تاطرف مقابل بداند و رضایت داشته باشد. این یک اصل اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند به قوام و دوام زندگی مشترک و خانوادگی کمک کند. بدیهی است نارضایتی زن یا مرد از حضور همسرش در چنین رویدادهایی می‌تواند تبعات خانوادگی در پی داشته باشد. در این بین زنان برای نارضایتی خود و ممانعت از خروج همسرشان از مرزهای کشور ابزاری در اختیار ندارند، اما مردان ابزار قانونی برای این کار در دست دارند و می‌توانند طبق بند سوم ماده ۱۸ قانون گذرنامه و ماده ۱۹ همین قانون همسرشان را ممنوع‌الخروج کنند. بدیهی است در یک زندگی زناشویی طبیعی و خانواده سالم، زن و مرد این قدرت را دارند تا در موارد اختلافات اینچنینی با یکدیگر به توافق برسند و بدون توسل به قانون و دادگاه کارشان را پیش ببرند، اما وقتی ماجرا به استفاده از ابزار قانونی و ممنوع‌الخروجی و عدم صدور اذن خروج می‌رسد، می‌توان نتیجه گرفت این زندگی انجینان یا چالش مواجه است که به بن‌بست رسیده و این چالش‌ها و اختلافات عمیق خود را به این شکل و شمایل نشان می‌دهد. حالا با طرح دوباره موضوع ممنوع‌الخروجی زنان ورزشکار، یکبار دیگر ماجرای اصلاح و تغییر قانون گذرنامه به نفع زنان مطرح

نظر کارشناس

اصلاح قانون اذن شوهر برای خروج زن از کشور نیازمند پشوانه فقهی_ حقوقی و همکاری قواست



بنابر این قانونگذار یکسری قرار داده‌ا و شروط ضمن عقد پیش‌بینی می‌کند که زنان بتوانند هویت خودشان را داشته باشند، چون این موضوعات از اقتضائات روز است و باید با این اقتضائات روز به شرایط نگاه کنیم. معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری لایحه‌ای جهت اصلاح بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه در دست تدوین دارد. اصلاح چنین قوانینی نیازمند پشوانه فقهی _حقوقی و همکاری قواست. معاونت رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده با برگزاری نشست و تهیه سند پشتیبان با همکاری دانشگاه مفید قم، «لایحه اصلاح بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه و الحاق یک تبصره به آن» را نیز علاوه بر «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان...» تهیه کرده است.

معصومه ابتکار معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور

شده است و معصومه ابتکار معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور در شمارش معکوس عمر دولت دوازدهم از تهیه لایحه‌ای برای این کار خبر می‌دهد. در این پرونده می‌خواهیم به بهانه رسانه‌ای شدن ماجرای سرمربی تیم اسکی بانوان کشور، این قانون و چالش‌های پیش‌رو برای تغییر و اصلاح و تبعات احتمالی این تغییر بر خانواده را مورد واکاوی قرار دهیم.

اذن خروج زن در قانون

ریشه‌های فقهی این قانون به دستور اسلام برای اذن خروج زن از منزل بازمی‌گردد و قانونگذار این موضوع را به اذن شوهر برای خروج زن از کشور هم تسری داده است.

قانون فعلی گذرنامه در ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ به تصویب رسید. در بند سوم ماده ۱۸ قانون گذرنامه آمده است: «زنان شوهر دار و لو کمتر از ۱۸ سال تمام بسا موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل در خواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد، کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خار جی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی هستند.»

به موجب ماده ۱۹ همین قانون، شوهر اختیار ممنوع‌الخروج کردن همسر خود را دارد. در این ماده آمده است: «در صورتی که موانع صدور گذرنامه بعد از آن حادث شود، یا کسانی که به موجب ماده ۱۸ قانون صدور گذرنامه موقوف به اجازه آن است، از اجازه خود عدول کنند از

ماده ۱۸ قانون گذرنامه را بر سر زبان‌ها انداخت؛ همان ماده‌ای که خروج زن از کشور را بدون اذن همسر مجاز نمی‌داند، اما آیا لغو کامل اذن شوهر برای خروج زن از کشور با عنایت به پیش‌بینی‌های قانون برای موارد خاص امری ضروری است و آیا تغییر این قانون در نگاهی جامع‌تر به صلاح خانواده خواهد بود؟ از سوی دیگر اگر این ماده قانونی اینقدر دست و پای زنان را برای موفقیت و حضور در میدان علمی و ورزشی فرامولی بپسسته، آمار قابل توجه زنان فعال در حوزه‌های علمی که در رویدادهای علمی بین‌المللی شرکت کرده‌اند و همچنین ۱۱۸۴اعزام زنان ورزشکار کشور در سال گذشته به مسابقات خارجی که به کسب ۵۷۵مدال در این مسابقات منتهی شد را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ چرا هیچ یک از این زنان به مشکل بر خورد نکرند؟ همچنین که ۸۰ خانم ایرانی هم سال گذشته در مسابقات جهانی به عنوان داور حضور داشتند و با ممنوع‌الخروجی از سوی همسرشان مواجه نشدند!

بر حسب ماده ۱۹ زوجه خود را پس از اجازه خروج، با عدول از اذن، ممنوع‌الخروج کرده باشد، دادستان بنا به درخواست زوجه مبنی بر صدور مجوز خروج از کشور و با رفع ممنوع‌الخروجی، برحسب مورد پس از احراز حالات فوق‌العاده و اضطراری مجاز به قبول در خواست زوجه بر حسب مورد است.

علاوه بر این در مواردی که زوجین در خارج از کشور اقامت داشته باشند؛ ضمن آنکه برای خروج از کشور نیاز به مجوز شوهر ندارد، شوهر حق ممنوع‌الخروج کردن زوجه را هم ندارد.

زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی خود باقی مانده‌اند نیز از دایره شمول قانون اذن شوهر برای خروج از کشور خارج می‌شوند. زنانی که دارای گذرنامه‌های سیاسی و خدمتی هستند هم مشمول این استثنا می‌شوند. اعزام به مأموریت خاص هم نیازی به اذن شوهر نیست و وزارت امور خارجه طبق ماده ۹ قانون گذرنامه می‌تواند «در موارد لزوم» با موافقت وزیر امور خارجه برای کسانی که به «مأموریت خاص» اعزام می‌شوند به جای گذرنامه «برگ مسافرت» انفرادی و جمعی صادر کند. هر چند برگ مسافرت یاد شده در حکم گذرنامه است. البته این استثنا در سطح زنان دارای جایگاه دولتی و در موارد خاص و ملی کاربرد دارد و احاد جامعه زنان را دربر نمی‌گیرد.

علاوه بر موارد یاد شده زنان در عقدنامه می‌توانند اجازه خروج کشور را به‌عنوان شرط ضمن عقد از زوج اخذ کنند یا بعد از عقد در سندی جداگانه اجازه خروج از کشور را در قالب وکالت بلاعزل دریافت کنند.

خروج دارندة گذرنامہ جلوگیری و گذرنامہ را رفع مانع ضبط خواهد شد.» یکی از برآیندهای حق اذن خروج، ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی است. طبق این ماده قانونی: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی کند، مگر اینکه اختیار تعیین محل سکونت (به‌عنوان شرط ضمن عقد نکاح یا هر عقد خارج لازم دیگری) به زن داده شده باشد.» البته این حق استثنایی دیگری هم در ماده ۱۱۱۵ همان قانون وارد است. بر این اساس چنانچه حضور زن در منزل شوهر متضمن آسیب‌های جسمی، مالی یا شرافتی برای وی باشد، زن می‌تواند منزل علیحده برای خود اختیار کند، به‌عبارتی در صورت عدم امنیت مزبور، زوج حق اذن خروج را از دست می‌دهد و در این صورت زوجه حق دارد بدون اذن زوج منزل ایشان را ترک کند. در ادامه ماده قانونی مذکور آمده است: در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشت به منزل مزبور معذور است نفعه بر عهده شوهر خواهد بود.

استثنائات قانونی برای سفر خارجی بدون اذن شوهر

اذن شوهر برای خروج زن استثنائاتی هم دارد؛ حالت اضطرار که در مواردی مانند درخواست خروج زوجه از کشور جهت انجام معالجه بیماری صعب‌العلاج خود یا بستگان، یا در مواقع مفقودالاثر بودن شوهر اتفاق می‌افتد. طبق فراز دوم بند ۳ماده ۱۸ قانون گذرنامه، در مواقعی از جمله اینکه شوهر با خروج زوجه موافقت ندارد یا زوج غایب مفقودالاثر باشد یا زوجه به وی دسترسی نداشته باشد یا زوج

فتواها و قرائت‌ها مطابق زمان و مکان قابل تجدید نظر هستند



کارشناسی قرار بگیرد. به‌طور کلی نمی‌توان قانونی گذاشت که فلسفه آن روشن نباشد. فقیه و مجتهد براساس مقتضیات زمان و مکان نظر می‌دهند و باید نظر آنها با واقعیت‌های اجتماعی سازگار باشد. الان این فتواها و قرائت‌ها قابل تجدیدنظر هستند. باید مجتهدین، حقوق‌دان‌ها و جامعه‌شناس‌ها در کنار یکدیگر دست به تجدیدنظر در این احکام بزنند.

حجت‌الاسلام محسن غروی‌ان کارشناس مذهبی

یادداشت



به احترام پرستاران بارداری که پیش از مادر شدن شهید شدند

وقتی نخستین تکان‌های نوزادش را در وجودش احساس کرد، حسی تومانی از شادی و غرور سرپای وجودش را فرا گرفت؛ شادی و غرور مادر شدن. اما تجربه ناب‌ترین حس دنیا و انتظار شیرین مادری‌اش، با هراسی سخت عجین شده بود. حدود یک سالی می‌شد که سر و کله وپروسی مخوف در دنیای‌ما پیدا شده بود و او وسط میدان مبارزه با کرونا؛ یعنی بخش کرونای بیمارستان لقمان پرستار بود!

از یکسو نگران بود که مبادا بارداری با شغلی حساس و خطرناک سلامتی خود و فرزندش را به خطر بیندازد و از سوی دیگر دلش نمی‌آمد به مردم و بیمارانی که به او و خدمات پرستاری‌اش نیاز دارند، پشت کند.

بیمارانی که ویروس سرد و سخت کرونا ریه‌هایشان را تسخیر می‌کرد و راه هوا را بر آنها می‌بست تانفس کشیدند برایشان مفرح ذات نباشد و گاهی هر نفسی که فرو می‌رفت دیگر بازمی‌گشت تا ممد حیات باشد. دلش نمی‌آمد چنین بیمارانی را به حال خود رها کند. پس ماند و عشق را با کارش درهم آمیخت و تا پای جان از بیماران پرستاری کرد.

مهشید گودرز با وجود بارداری و شرایط خاص، پرستار بخش کرونای بیمارستان لقمان بود. مهشید هرگز نتوانست فرزندش را ببیند و در آغوش بکشد؛ همچنانکه نوزادش بی آنکه حتی یک‌بار بتواند گرمای مهر آغوش مادرش را تجربه کند، در هفت ماهگی از مادر جدا شد تا دوران تکاملش را به جای رحم مادر در دستگاه بخش ویژه نوزادان بیمارستان طی کند.

پس از شهادت این پرستار باردار علی‌اکبر جراحی، نایب رئیس شورایایعالی نظام پرستاری کشور اعلام کرد: «پرستارانی که دچار بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج هستند و در گروه‌های پرخطر قرار دارند، نباید در بخش کرونا کار کنند.» وی در رسانه گروه‌های پسر خطر را نوتنه توضیح داد: «لفظ گروه‌های پرخطر به «بیماران قلبی»، «فصل‌خونی‌ها»، «یابانی‌ها»، «بیماران سیستم ایمنی»، «بیماران مزمن رسوی»، «زنان باردار»، «کودکان»، «کسانی که اضافه وزن بالا دارند»، «افرادی که مضطرب هستند یا تحت درمان بیماری‌های اضطرابی هستند»، «تمام افراد بالای ۶۵ سال و... اطلاق می‌شود.»

این مقام شورایایعالی نظام پرستاری کشور در عین حال تأکید کرد: «برای عدم فعالیت گروه‌های پرخطر در بخش کرونا در نظام پرستاری قانونی وضع نشده است، اما در قانون وزارت بهداشت در مورد بیماری کووید تأکید شده که افراد پرخطر، اشخاص دچار بیماری‌های خاص و یا زمینه‌ای نباید در ارتباط مستقیم با بیماران مبتلا به کرونا قرار بگیرند؛ چراکه این افراد بدن ضعیف‌تری دارند و چه پرستار و چه جزء خدمات بیمارستان باشند، نباید در ارتباط با بیماران مبتلا به کرونا قرار گیرند.»

شاید در همین اساس بود که مهشید گودرز آخرین پرستار بارداری نبود که قربانی کرونا شد. فرانک داوودی بیماری کووید تأگیری است که حدود دو هفته بعداز مهشید گودرز در اثر ابتلا به بیماری کرونا و در حین عمل جراحی سزارین در گذشت.

این پرستار شهید در بخش جراحی مردان بیمارستان محسن کرج مشغول فعالیت بود. طبق اعلام محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، تاکنون بیش از ۱۲۰ پرستار در یک سال مبارزه با ویروس کرونا به شهادت رسیده‌اند. در این میان اما شهادت این دو مادر باردار از همه تکان‌دهنده‌تر بود؛ به‌خصوص اینکه مهشید گودرز با وجود وضعیت خاص و بارداری در بخش بیماران کرونایی مشغول به خدمت بوده است.

انتبای کادر درمان و به‌خصوص پرستاران که در خط مقدم مبارزه با کرونا و از تساب با بیماران قرار دارند در همه کشورهای دنیا کم و بیش اتفاق افتاده است، اما لاقل می‌شد یک زن باردار را در بخش‌های کم‌خطرتر بیمارستان به کار گرفت تا چنین فاجعه دلخراشی رخ ندهد و این مادر و نوزاد مجالی برای ششیدن مهر مادر و فرزندى داشته باشند.

فرزندان مهشید و فرانک هیچگاه آغوش مادر را نچشیدند و تمام زوایای مادران این دو پرستار فداکار برای همیشه زیر خروارها خاک مدفون شد. مردم ما اما قدر این فداکاری و ایستادگی با پای جان را می‌دانند. فرزندان مهشید و فرانک اگرچه پیش از تولد از لذت آغوش گرم مادر محروم شدند، اما یقیناً وقتی بزرگ شوند و به بلوغ برسند به مادران قهرمان خود افتخار خواهند کرد. فرشتگان سفیدپوشی که برای زنده ماندن و بهبود بیماران کرونایی جانشان را هم در طبق اخلاص قرار دادند و تقدیم مردم و کشورشان کردند.

بی‌تردید این مادران عاشق اسطوره‌ها و الگوهای جوادان دوران مبارزه کشورمان با ویروس تاجدار خواهند بود و مردم ما هیچگاه این تصاویر ناب فداکاری را فراموش نخواهند کرد.